حق با شماست

info@jamejamdaily.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲

#بانک-سود

عبدی از تهران:

رئیس بانک مرکزی اعلام کرد هیچ بانکی حق دریافت سود بیشتر از میزان مصوب شده برای تسهیلات را ندارد. این درحالی است که برخی بانک‌ها در ظاهر همان سود ۱۸ درصد را اعلام می‌کنند اما با ترفندهایی مانند نگاه داشتن درصدی از موجودی تا زمان تسویه وام، یا داشتن سپرده برای چند ماه به طور غیرمستقیم سود وام را بالا می‌برند.

#لاهیجان-تاریکی

شهروندی از لاهیجان:

در حالی که با دستور آقای روحانی شرکت برق متعهد شد برق خانگی را قطع نکند اما در لاهیجان معابر و منازل در تاریکی مطلق قرار دارند.

#نازی-آباد-گوشت

سلیمی از تهران:

عمده‌فروشان گوشت در خیابان‌های اطراف کشتارگاه تهران کسب و کار راه انداخته‌اند که این موضوع در منطقه نازی‌آباد، آسایش ساکنان خیابان‌های شهید فاطمی و شهید کارگر سامانی را گرفته است.

#روغن-نباتی

باقری از تهران:

این روزها برخی انواع روغن نباتی تولید شده با برندهای مشهور از طریق فروشگاه‌های مجازی با قیمت‌های بالاتر به مشتریان عرضه می‌شود. چرا؟

#عیدی-کارمندان

عظیمی از تهران:

با در نظر گرفتن اوضاع اقتصادی جامعه، عیدی کارمندان و بازنشستگان دولت بسیار ناچیز است. بهتر نبود میزان عیدی را با توجه به تورم زیاد جامعه در نظر می‌گرفتند؟

جوابیه

در پی درج پیامی در روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۳۰ با عنوان «آلودگی‌های محیطی و صوتی در محله شمیران نو» مدیر روابط عمومی شهرداری منطقه ۴ شهر تهران با ارسال نمابری اعلام کرد: بافت محله شمیران نو به صورت مسکونی بوده و هیچ گونه کارخانه بتن و سیمان در این محله وجود ندارد. اما در داخل و اطراف این محله ساخت وسازهایی درحال انجام است که در نتیجه به منظور خاکبرداری و حمل مصالح، تردد کامیون‌ها را نیز به دنبال دارد. با این حال تردد وسایل نقلیه سنگین در طول روز (روزهای عادی و تعطیل) ممنوع است و تنها از ساعت ۲۳ تا ۵ صبح مجاز به رفت‌وآمد در سطح شهر هستند.

خیاطی و قالی‌بافی از مرسوم‌ترین کارآفرینی‌های پایدار در مناطق محروم کشور است

در آستانه روز اقتصاد مقاومتی و کارآفرینی، با اعضای چند گروه جهادی که در زمینه اشتغال‌زایی در مناطق محروم فعال هستند گفت‌وگو کرده‌ایم

جهاد اشتغال

نرگس خانعلی‌زاده

جامعه

خوشبینانه‌اش این است که بگوییم در دوران کرونا اتحاد و همبستگی بین مردم بیشتر شد؛ مردمی که برای مقابله با مشکلاتی که کرونا به آنها دامن می‌زند، بیش از گذشته به یکدیگر کمک می‌کنند. اتفاق مثبتی که در گروه‌های جهادی و مردم‌نهاد به شکلی پررنگ‌تر بروز پیدا کرده و همه جهادی‌ها، برای مقابله با انواع و اقسام پیامدهای کرونا، مردانه به میدان آمده‌اند. در طول یک‌سال گذشته که کرونا در کشور شیوع پیدا کرده، بیش از گذشته شاهد نذر، انفاق، بخشش و خدمت‌رسانی به نیازمندان و اهالی مناطق محروم بوده‌ایم؛ اما نکته‌ای که شاید از چشم ما دور ماند و به چشم جوانان جهادگر آمد، موقتی بودن این کمک‌ها بود. موضوعی که در لابه‌لای توزیع بسته‌های بهداشتی و معیشتی، جهادگران بسیاری را با سرمایه‌های شخصی و گاه با خیرات خیرین، راهی مناطق محروم کشور کرد تا کسب و کار دائم و پایداری برای اهالی آنجا به راه بیندازند. اتفاقی که نه فقط به حال و روز اقتصادی منطقه و خانواده‌ها جانی دوباره بخشید که رنگ و بوی امید به زندگی و روشن بودن آینده را هم برایشان به ارمغان آورده است. ۲۹ بهمن و رسیدن به روز اقتصاد مقاومتی و کارآفرینی در تقویم امسال، بهانه‌ای برای پرداختن به این جنبه‌های روشن اما کم‌پیدا از فعالیت گروه‌های جهادی کشورمان بود.

از پشت تلفن صدا به خوبی به گوش نمی‌رسد؛ مدام قطع و وصل می‌شود. بیشتر صدای رفت و آمد است که به گوش می‌رسد. مشخص است . اعضای گروه در حال فعالیت هستند. این روزها، اعضای گروه جهادی حضرت زینب(س)، در نقطه‌ای مرزی حضور دارند و بساط کار و فعالیت را برای اهالی منطقه فراهم می‌کنند؛ کرونا و غیر کرونا هم برایشان ندارد که اگر داشت، این روزها، آنجا نبودند و صدای‌شان با قطع و وصلی به گوش ما نمی‌رسید. آنها در همه این روزهای کرونایی، ماسک‌شان را به صورت‌شان زده‌اند و کوله‌شان را بر دوش‌شان انداخته‌اند و گاهی برای راه‌انداختن یک کسب و کار محلی و گاهی برای آموزش فن و حرفه‌ای خاص، به مناطق محروم کشور سر زده‌اند و وقتی خیال‌شان از راه‌افتادن پایه‌های اولیه شغل مردان و زنان روستا راحت شد، دوباره کوله‌های‌شان را بر می‌دارند و راهی نقطه‌ای دیگر می‌شوند. مسؤول روابط عمومی‌شان، در بین آن همهمه و رفت و آمد از فعالیت‌های تیم‌شان می‌گوید: «اتفاقا در ایام کرونا، فعالیت‌هایمان را بیشتر از قبل ادامه دادیم. این روزها هزینه زندگی بیشتر شده‌است و نیاز به داشتن شغلی ثابت و درآمدی مشخص بیشتر از قبل در خانواده‌ها احساس می‌شود و دیگر نمی‌شود مثل روزهای قبل با مخارج زندگی سر کرد.» که نکند علاوه بر جسم و روح خسته از وضعیت این روزها، فشار اقتصادی روی خانواده‌ای باشد که با مخارجی مانند ماسک و مواد ضدعفونی‌کننده و خدایی نکرده، هزینه‌های درمان روبه‌رو باشد؛ و همین شده‌است که آنها به طور سازمان‌یافته‌ای مشغول کارآفرینی در نقاط مختلف کشور هستند تا نقطه محرومی از نظرشان دور نماند که اهالی‌اش بیکار باشند و جهادی‌های گروه حضرت زینب(س)، قدمی برنداشته‌باشند. به قول خودشان، عصاره کارآفرینی، درک و بهره‌برداری از فرصت‌هاست و با همین شناخت فرصت‌ها، می‌خواهند اقتصاد روستاها را زنده کنند تا زنجیره‌ای برای بهبود کیفیت اقتصاد شهرها و نهایتا کشورشوند. شعار گروه کارآفرینی جهادی حضرت زینب(س) هم از همین اعتقادشان برمی‌آید؛ این‌که فرصت‌جویی و فرصت‌پروری مساوی کارآفرینی و اشتغال‌زایی است: «راستش هر کار دیگری هم که در برخی روستاها انجام می‌دهیم، از پروژه‌های عمرانی تا خدمات پزشکی و فعالیت‌های آموزشی و حتی اردوهای زیارتی، برای جلب اعتماد اهالی روستاست؛ این‌که کم‌کم با آنها دوست بشویم و در میان‌شان بمانیم و بفهمیم به چه چیزی نیاز دارند تا شاید بتوانیم در حد توان‌مان و با کمک خیرین، آن را برایشان فراهم کنیم.» آنقدر که با همین اعتمادی که در بین مردم به دست آورده‌اند، فهمیده‌اند زنان هنرمندی در برخی روستاها زندگی می‌کنند اما جایی برای عرضه هنرها و توانمندی‌هایشان ندارند. حالا همین شناخت، باعث شده‌است که در چند روستای مرزی و محروم کارگاه‌های خیاطی و گلیم‌بافی راه‌بیندازند؛ کارگاه‌هایی که بیشتر بر فعالیت زنان روستا مانور می‌دهد و کمک‌خرجی بر درآمد مرد خانواده‌است: «در هر روستا تقریبا ۸۰ نفر در کارگاه‌ها مشغول به کار و درآمدزایی هستند که پیش از این هیچ درآمدی نداشتند.»

جمع قالی‌بافان جمع است

اینجا و در شهرستان نهاوند، هشت ساعت در روز، صدای دفه زدن از کارگاه‌های قالی‌بافی به گوش می‌رسد؛ این همان اتفاقی است که حامد حیدری‌نژاد، مدت‌ها به دنبال راه‌اندازی‌اش بود و بالاخره به آن رسید و توانست در زادگاه پدری‌اش کارآفرینی کند. او طلبه جوانی است که سال‌های زیادی است با درآمدش از تدریس و معلمی، در مقاطع مختلف و با همراهی و همکاری دوستانش، فعالیت‌های جهادی متفاوتی انجام می‌دهد؛ فعالیت‌هایی که در روزهای ابتدایی گسترده‌تر بود و به بیشتر از هشت استان رفت و آمد داشت؛ از بازسازی مدارس و تامین جهیزیه و آزادسازی زندانیان گرفته تا تهیه و توزیع بسته‌های ارزاق و اطعام نیازمندان: «بعد از شش سال از انجام این فعالیت‌ها، احساس کردم همه اینها تنها به صورت مقطعی می‌تواند وضعیت یک خانواده نیازمند را بهبود ببخشد اما راهی قطعی برای سر و سامان گرفتن آنها نیست.» او معتقد است دیگر نباید به دنبال راه‌حل بهبود وضعیت اقتصادی در شهرها بگردیم که اتفاقا احیای اقتصاد در همین روستاهاست و همین تفکر باعث شد حامد حیدری‌نژاد، به فکر اشتغال‌زایی و کارآفرینی برای ساکنان مناطق روستایی بیفتد: «من خودم هم اصالتا نهاوندی هستم و در خلال همین فعالیت‌های جهادی‌ام در این منطقه، احساس کردم یک چیزی اینجا کم است.» و آن زنجیره اشتغال و کارآفرینی بود. در طول این مدت با آشنا شدن با تجار مطرح بازار فرش و روش‌های فروش، طی کردن دوره‌های آموزش طراحی و رفوگری فرش، چله‌کشی و بافت فرش، مقدمات رنگرزی پشم، طراحی دار قالی و... به تجربه و دانش خوبی دست پیدا می‌کند و در نهایت، زنجیره مورد علاقه‌اش را در شهر پدری‌اش راه‌اندازی می‌کند: «خودرویم را فروختم، کمی پول از پدرم قرض گرفتم و با پس‌اندازی که از درآمد این سال‌هایم داشتم، زنجیره تولید فرش راه‌اندازی کردم.» و همین طلبه جوان، امروز هشت کارگاه قالی‌بافی راه‌انداخته‌است که بیشتر از ۱۳۷ نفر در آن به کار مشغول هستند؛ فرصتی که حیدرنژاد بر این باور است به کمی حمایت نیاز دارد تا فعالیت‌هایش را تا جایی گسترش بدهد که بیشتر از هزارنفر بتوانند پشت دارهای قالی بنشینند: «شاید راه درست این است کمی از نشان دادن مسیر به دیگران دست برداریم و خودمان به میدان بیایم و راه را خودمان بسازیم.» راهی که خودش در پیش گرفته است و تمام هم و غم و تمرکزش را روی یک شغل و یک نقطه گذاشته‌است. طلبه جوان کارآفرین می‌گوید دلم نمی‌خواست فعالیت‌هایم شبیه اقیانوسی باشد که گسترده‌است اما عمقش به یک سانتی‌متر هم نمی‌رسد.

قرض‌الحسنه‌ای برای اشتغال

یکی از مشکلات بسیار بزرگ در مناطق محروم، نداشتن بیمه بازنشستگی مردم این مناطق است که در وقت کهنسالی و از کارافتادگی می‌تواند برایشان دردسرساز باشد. موضوعی که تقریبا حل‌شده به حساب می‌آید و در کارگاه‌های قالی‌بافی که به همت حامد حیدری‌نژاد و دوستانش راه‌افتاده‌است، تعداد زیادی از زنان نهاوندی، مشغول به کار شده‌اند، حقوق ماهانه و سروقت دارند، بیمه هستند و بعد از ۱۵ سال می‌توانند بازنشسته بشوند؛ یک کارآفرینی به تمام معنا. این‌طور که حاج‌آقا حیدرنژاد می‌گوید، فعالیت‌های او، موجب شکل‌گیری پایگاهی شده‌است که فارغ از جنبه‌های اقتصادی، جنبه‌های انسانی و اجتماعی خوبی به خودش گرفته و کسب و کار ابداعی او، بزرگ‌ترین تولیدی فرش استان همدان با هشت کارگاه قالی‌بافی فعال و بالاترین تعداد اشتغال‌زایی در این شهرستان محسوب می‌شود: «چه کسی است که نداند امرار معاش از راه درست می‌تواند خانواده‌ای را از مشکلات اجتماعی نجات بدهد؟ مشکلاتی که بخشی از آنها به دستان زنان خانواده باز می‌شود.» اما در روند شکل‌گیری این نوع از کارآفرینی، حامد حیدری‌نژاد سهم ۷۰ درصدی و کمک‌های خیرین سهمی ۳۰ درصدی در راه‌اندازی این زنجیره داشته‌است؛ کمک‌هایی که با آنها یک دار قالی بیشتر ساخته‌اند و ابزار قالی‌بافی‌شان را بیشتر کرده‌اند. اما به قول او، قرض‌الحسنه است و به محض پایین آمدن فرش از روی دار قالی و فروخته شدنش، آن مبلغ به بانی این ماجرا برگردانده می‌شود؛ یک قرض‌الحسنه واقعی: «چرا می‌گویم قرض‌الحسنه؟ چون ما مردم را دعوت می‌کنیم نذورات‌شان را در راه پا گرفتن یک شغل و کارآفرینی بدهند اما بعد از رسیدن به نتیجه و راه‌افتادن پایه‌های اولیه کسب و کار، پول‌شان را به آنها برمی‌گردانیم.» با این‌که بعد از مدتی پول‌شان دوباره به آنها برگردانده می‌شود اما آنها سهم بزرگی در گسترش این اشتغال و کارآفرینی دارند. او از مدل کارآفرینی‌اش به‌شدت دفاع می‌کند: «من روستا به روستا را گشتم و همچنان می‌گردم و کسانی را که به شغل نیاز دارند پیدا و به این زنجیره دعوت می‌کنم؛ کسانی که از قالی‌بافی واقعا چیزی نمی‌دانند اما نیاز و شاید از آن مهم‌تر، علاقه‌ای به کار کردن دارند.» حالا او هر آنچه را که در طول این یکی دو سال اخیر آموزش دیده‌است، به کسانی که پیش از آن کوچک‌ترین تجربه‌ای از قالی‌بافی نداشتند، به صورت رایگان می‌آموزد تا بتوانند مشغول کار شوند و پشت دار قالی بنشینند. این‌طور که معلوم است، این زنجیره آنقدر خوب پیش رفته که حاج‌آقا حیدرنژاد توانسته‌است با هماهنگی با مرکز فنی و حرفه‌ای شهرستان نهاوند، مدرک قالی‌بافی هم به آنها بدهد و خانم‌های نهاوندی، مدرک به دست، پشت دار قالی می‌نشینند و محصولاتی تولید می‌کنند که با برندی مشخص راهی بازار می‌شود و هویتی مشخص دارد؛ به این ترتیب هم محصول تولید شده و هم تولیدکنندگان که نام‌شان روی محصول است، باعث اعتبار آن فرش و قالی در بازار امروز می‌شود.

معنای دوباره زندگی

اشتغال‌زایی در مناطق محروم و سیل‌زده و زلزله‌زده همیشه بخش مهمی از فعالیت‌های بنیاد برکت ستاد اجرای فرمان امام(ره) بوده‌است؛ آنقدر که سال گذشته، نزدیک به ۳۰ هزار طرح اشتغال‌زایی در این مناطق طراحی و اجرا شد. اما گستردگی مناطق محروم و نیازمند به اشتغال در برخی استان‌ها آنقدر جدی است که امروز و در آخرین ماه‌های سال ۹۹ هم به چشم می‌آید. نیازی که جهادگران و گروه‌های مردم‌نهاد هم برای رفع آن به عرصه آمده‌اند. در میان همه این رفت و آمدهای بنیاد و سازمان و آدم‌ها، طرح‌هایی پیشنهاد شده‌است که برخی امروز به نتیجه رسیده و برخی هم در همان مراحل اولیه رد شده‌است. طبیعتا اولین مساله این است که طرح از لحاظ اقتصادی توجیه‌پذیر باشد که اگر چنین نباشد، اشتغال پایدار مورد نظر طراح، محقق نخواهد شد و ممکن است فعالیت بعد از مدتی متوقف شود و افراد شاغل در آن، دوباره بیکار شوند. کارشناسان اقتصادی و کارآفرینی در این‌باره معتقدند طرح اشتغال و کارآفرینی در منطقه‌ای خاص، باید منطبق بر مزیت‌های منطقه باشد؛ مثلا در جنوب کشور ممکن است آبزی پروری پیشنهاد تقریبا مناسبی برای منطقه‌ای ساحلی باشد و کشاورزی یا دامداری در مناطق دیگر ایده مناسبی برای شکل‌گیری برخی دیگر از مشاغل. اما در نهایت اتفاقی که باید بیفتد، محرومیت‌زدایی در مناطق محروم و توسعه‌نیافته کشور است و طبیعتا آغاز و سنگ بنای هر طرح، باید منطبق با ویژگی‌های خاص آن منطقه باشد.

در این میان، زنان مناطق محروم هم می‌توانند از فرصت‌های شغلی ایجادشده استفاده کنند و وارد بازار کار شوند. این روند در سال‌های اخیر آنقدر بازخوردهای مثبت در سطح منطقه داشته‌است که کارآفرینان همچنان به توانمندی‌های زنان منطقه برای اشتغال‌زایی توجهی ویژه دارند. آمارها نشان می‌دهد کارآفرینی در مناطق مختلف توانسته‌است جمع زیادی از زنان کشور را به کار مشغول کند و به لحاظ اقتصادی درآمد قابل توجهی برای آنها داشته‌باشد. البته نباید فراموش کرد برخی از زنان که همسران‌شان فوت شده یا به هر دلیلی، آنها گرداننده چرخ زندگی هستند، بخش زیادی از طرح‌های کارآفرینی را به خود اختصاص داده‌اند؛ زنانی که درآمدهایی که به دست می‌آورند نه کمک خرجی برای خانواده بلکه اصل درآمدی است که تا پیش از آن نداشتند.

یکی از جهادگران مناطق روستایی می‌گوید: «اولش فکر می‌کنیم راه‌اندازی کسب و کار و شاغل شدن سرپرستان خانواده، می‌تواند وضعیت اقتصادی و قدرت خریدشان را بالا ببرد؛ اما از یک جایی به بعد می‌بینیم بالا رفتن قدرت خرید تنها یک شوخی خنده‌دار است برای آنهایی که هر لحظه منتظرند زنگ در خانه‌شان زده شود و غذایی گرم به دست‌شان برسد. کارآفرینی در چنین مناطقی، زندگی را برایشان معنی می‌کند. این‌که کار کنند، درآمدی داشته‌باشند و بتوانند چرخ زندگی را در حدی معقول بچرخانند. فقط همین.»